



The Injury of Bone Cracking: The Concept and Principle of Monetary Compensation Resolving the Legislative Equivocation in the Light of Proportion Principle

Ardavan Arzhang¹, Abbas Kalantari Khalilabad¹, Mohammad Reza Rahmat²,
Mohammad Hosein Shaker Ashtijeh^{2*}

1. Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ayatollah Haeri University, Meybod, Iran.

2. Department of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ayatollah Haeri University, Meybod, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Bone-crack is an injury known as "Sad" in Islamic jurisprudence. Medically, this injury is defined as a type of fracture. Distinguishing this injury from other types of injuries and finding its examples are necessary because each bone injury leads to a different kind of compensatory damages. The amount of damages for bone crack is determined as a proportion of *Diyah* and functions as the standard for fracture injury although fracture is of two types of repairable and irreparable with different amounts of damages. Failure to determine which one of repairable and irreparable fractures is the standard has resulted in legislative equivocation.

Method: This is a descriptive-analytical study and is conducted in a documentary method and by note-taking.

Ethical Considerations: This study has been done with adherence to the values of honesty and reliability.

Results: The findings of this study indicate that some kinds of fractures in medicine correspond with bone cracking and will be subject to its rules and effects. For the case of legislative equivocation, a solution can be sought in light of the principle of proportionality.

Conclusion: Bone injuries like hairline cracks and partial bone fractures are two examples of bone cracking. According to medical findings, bone cracks, greenstick fractures and intra-articular fractures conform to the definition of the injury in Islamic jurisprudence and thus are subject to the rules of bone crack. The Islamic Penal Code has attempted to determine the damages of bone crack injury as a single principle, however, after examining it from the perspective of Islamic narrations and Islamic jurisprudence; we came to this conclusion that there is no correspondence in some cases between the statute laws and the narrations. In the light of the principle of proportionality, it is possible by categorizing cracking injuries into repairable and irreparable to help to determine the amount of compensatory damages based on the amount stipulated in similar cases of fracture injuries as the standard and to remove the legislative equivocation.

Keywords: Cracking; Bone; Fracture; Compensation; Principle; Proportionality Principle

Corresponding Author: Mohammad Hosein Shaker Ashtijeh; **Email:** mhshaker@chmail.ir

Received: November 24, 2020; **Accepted:** May 18, 2021; **Published Online:** July 23, 2020

Please cite this article as:

Arzhang A, Kalantari Khalilabad A, Rahmat MR, Shaker Ashtijeh MH. The Injury of Bone Cracking: The Concept and Principle of Monetary Compensation Resolving the Legislative Equivocation in the Light of Proportion Principle. *Medical Law Journal*. 2022; 16(57): e6.




مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



صدمه ترک برداشتن استخوان؛ مفهوم و ضابطه دیه؛ حل ایهام تقنینی در پرتو اصل تناسب

اردوان ارژنگ^۱، عباس کلانتری خلیل آباد^۱، محمدرضا رحمت^۲، محمدحسین شاکر اشتیجه^{۲*} 

۱. گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آیتا... حائری (ره) میبد، میبد، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آیتا... حائری (ره) میبد، میبد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: صدمه ترک برداشتن در فقه با عنوان «صدع» شناخته می‌شود. علم پزشکی این صدمه را به عنوان یکی از شکستگی‌ها تعریف نموده است. تمییز این صدمه و تعیین مصادیق آن از سایر صدمات از این جهت که هر یک از صدمات استخوانی دارای جبران خسارت متفاوتی بوده، ضروری است. میزان جبران خسارت در صدمه ترک برداشتن بر اساس نسبتی از دیه تعیین شده برای صدمه شکستگی به عنوان شاخص بوده، در حالی که صدمه شکستگی، دارای دو حالت بهبودی و عدم بهبودی با میزان جبران خسارت متفاوت است. عدم تعیین کدام یک از حالت‌های بهبودی و عدم بهبودی شکستگی به عنوان شاخص، سبب ایهام تقنینی می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از روش اسنادی و ابزار فیش‌برداری تهیه و تدوین گردیده است.

ملاحظات اخلاقی: این پژوهش با پایبندی به اصول صداقت و امانت‌داری تهیه و تدوین گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌ها حکایت از آن دارد که برخی از انواع صدمات شکستگی در علم پزشکی منطبق با صدمه ترک برداشتن بوده و آثار و احکام آن را خواهد داشت. در مورد ایهام تقنینی می‌توان در پرتو اصل تناسب نسبت به حل آن استناد جست.

نتیجه‌گیری: صدمات استخوانی با خط ظریف مویی و نیز انفصال ناکامل استخوان از مصادیق صدمه ترک برداشتن می‌باشد. بر اساس یافته‌های پزشکی، صدمات شکستگی ترک برداشتن، ترکه‌تری و داخل‌مفصلی با تعریف فقهی صدمه منطبق و در دامنه شمول احکام صدمه ترک برداشتن می‌باشند. قانون مجازات اسلامی نسبت به تعیین جبران خسارت صدمه ترک برداشتن در قالب یک ضابطه اقدام نموده که پس از بررسی روایی و فقهی بدین نتیجه رسیدیم که در برخی موارد مطابقتی میان حقوق موضوعه با متون روایی وجود ندارد. در پرتو اصل تناسب می‌توان با دسته‌بندی صدمه ترک برداشتن به حالات بهبودی و عدم بهبودی به تعیین میزان جبران خسارت بر اساس نسبت معین شده در حالت مشابه صدمه شکستگی به عنوان شاخص، اقدام و ایهام تقنینی را حل نمود.

واژگان کلیدی: ترک برداشتن؛ استخوان؛ صدع؛ دیه؛ ضابطه؛ اصل تناسب

نویسنده مسئول: محمدحسین شاکر اشتیجه؛ پست الکترونیک: mhshaker@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Arzhang A, Kalantari Khalilabad A, Rahmat MR, Shaker Ashtijeh MH. The Injury of Bone Cracking: The Concept and Principle of Monetary Compensation Resolving the Legislative Equivocation in the Light of Proportion Principle. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e6.

مقدمه

تعیین ضابطه مشخص برای یافتن احکام مصادیق مختلف، همواره مورد توجه فقها و حقوقدانان بوده است. این مهم در صدمات مربوط به استخوان نیز مورد توجه قرار گرفته و در برخی صدمات به صورت قاعده یا ضابطه بیان گردیده است. صدمات شکستگی و کوبیدگی و دررفتگی، از جمله صدماتی است که مورد توجه محققین بوده و تعریف و بررسی جبران خسارت آن به صورت پژوهشی انجام شده است. صدمه ترک برداشتن یکی دیگر از صدماتی است که تعریف و تدقیق در تعیین مصادیق آن با سایر صدمات خصوصاً صدمات مشابه مانند شکستگی صورت نپذیرفته است. مقنن در ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: «دیه شکستن، ترک برداشتن و خردشدن استخوان هر عضو دارای دیه مقدر به شرح زیر است:

- دیه شکستن استخوان هر عضو یک پنجم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود، چهارپنجم دیه شکستن آن است.
- دیه خردشدن استخوان هر عضو یک سوم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود، چهارپنجم دیه خردشدن آن استخوان است.

- دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است.

- دیه جراحی که به استخوان نفوذ کند، بدون آنکه موجب شکستگی آن گردد و نیز دیه موضعه آن، یک چهارم دیه شکستگی آن عضو است.»

هرچند این ماده به عنوان ملاک برای تعیین جبران خسارت صدمه ترک برداشتن بر استخوان بوده، لکن تعریفی از این صدمه ارائه نداده و علم پزشکی صدمه ترک برداشتن را به عنوان یکی از صدمات شکستگی تعریف نموده است. ضابطه جبران خسارت صدمه ترک برداشتن استخوان به شیوه مقرر در ماده مذکور، در هیچ متن روایی ذکر نشده و این ضابطه از فقرات مختلف اصل ظریف به عنوان جامع ترین منبع روایی در تعیین جبران خسارت صدمات وارده بر استخوان اصطیاد گردیده است، ضمن اینکه دیه صدمه ترک برداشتن بر اساس

نسبتی از دیه صدمه شکستگی تعیین شده، در حالی که برای صدمه شکستگی در دو حالت بهبودی و عدم بهبودی، دیات متفاوتی تعیین شده و منظور مقنن در این خصوص دارای تردید است، لذا با کنکاش در متون فقهی، پزشکی و حقوق موضوعه به پاسخ بررسی تطبیقی مفهوم صدمه ترک برداشتن از منظر پزشکی با فقه پرداخته و پس از بررسی انواع صدمات معین شده در پزشکی، به تعیین و ذکر مصادیق منطبق بر صدمه ترک برداشتن در تعریف فقهی آن پرداخته است و تردید حقوق موضوعه در تعیین کدام یک از حالات بهبودی یا عدم بهبودی در صدمه شکستگی به عنوان صدمه شاخص برای تعیین دیه صدمه ترک برداشتن را در پرتو اصل تناسب حل نموده است.

پژوهش حاضر ابتدا به بررسی مفهوم صدمه ترک برداشتن از منظر فقه و پزشکی (بند ۱) و سپس متون روایی و قانونی در خصوص جبران صدمه ترک برداشتن استخوان را بررسی نموده است (بند ۲). در پایان در پرتو اصل تناسب به ارائه راهکار برای حل ایهام تقنینی موجود پرداخته است (بند ۳).

روش

این مقاله توصیفی - تحلیلی و با بهره گیری از روش اسنادی و استفاده از ابزار فیش برداری تهیه و تدوین گردیده است. همچنین از آرای وحدت رویه و نظریات اداره کل حقوقی قوه قضاییه در تحلیل و حل ایهام تقنینی و ارائه پیشنهادات کاربردی بهره برده شده است.

یافته‌ها

تطبیق کاربردی میان یافته‌های فقه و پزشکی در مفهوم صدمه ترک برداشتن صورت نگرفته و ضابطه دیه صدمه مذکور، دارای استثنائاتی در متون روایی و فقهی بوده که مورد توجه مقنن قرار نگرفته که مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در مرحله تقنین جبران خسارت صدمه ترک برداشتن، نسبت سنجی دیه این صدمه با دیه صدمه شکستگی به عنوان شاخص، بدون توجه به وجود حالات متفاوت بهبودی و عدم بهبودی در

شکستگی ناقص یا ناکامل قرار دارد که در آن، تنها قسمتی از مقطع عرضی یا طولی استخوان دچار گسیختگی می‌شود.

ترک، شکستگی‌ای است که روی فیلم رادیوگرافی، خط مویی ظریف را روی استخوان نشان می‌دهد (6-7). به عبارت دیگر شکستگی ناکاملی که تنها قسمتی از مقطع عرضی استخوان دچار گسیختگی می‌شود (8). بنابراین تا هنگامی که استخوان به صورت کامل از مقطع عرضی یا طولی جدا نشده باشد، مشمول صدمه ترک برداشتن می‌باشد.

بررسی صدمه شکستگی در پژوهشی با عنوان «بررسی دیه شکستگی استخوان از منظر قانون و رویه سازمان پزشکی قانونی به همراه حل برخی مشکلات اجرایی» (۹) صورت پذیرفته و شکستگی به ۱۸ نوع دسته‌بندی شده که یکی از انواع آن، شکستگی ترک برداشتن (Hair Line Fracture) می‌باشد. مناسب است از انواع صدمات، برخی از آن‌ها که مشابه صدمه ترک برداشتن بوده ذکر شده تا در بند بعد به بررسی تطبیقی آن‌ها نیز با تعریف فقهی پرداخته شود.

- شکستگی ترکه‌تری (Greenstick Fracture): ضربه وارده به استخوان باعث شکسته شدن استخوان در طرف مقابل ضربه می‌گردد، در حالی که در طرفی از استخوان که ضربه به آن وارد شود، استخوان در هم فشرده می‌گردد. علت این نامگذاری شبیه بودن رفتار استخوان به یک ترکه یا چوب تر است.

- شکستگی داخل مفصلی (Intraarticular Fracture): در آن خط شکستگی به داخل مفصل راه یافته است.

۱-۳. بررسی تطبیقی: در فقه صدمه ترک برداشتن به شکافته شدن تعبیر گردیده و در شکافته شدن، انفصال به صورت کامل نمی‌باشد، بلکه هنوز ارتباطی میان قسمت‌ها وجود دارد، البته تعریف پزشکی نیز این حالت را به انفصال ناکامل تعبیر نموده که امکان تطبیق این دو تعریف وجود دارد، اما مناسب است به بررسی تطبیق انواع صدمات شکستگی با تعریف ترک برداشتن پرداخته شود تا مواردی که در دامنه مشمول ترک برداشتن بوده مشخص گردد.

- شکستگی ترکه‌تری: یکی از صدمات استخوانی به نام شکستگی ترکه‌تری بوده که بنا بر علم پزشکی در اقسام شکستگی ذکر

صدمه شاخص صورت پذیرفته که سبب وجود ایهام تقنینی گردیده و پژوهش حاضر با استناد به اصل تناسب جنایت و میزان جبران خسارت به حل ایهام تقنینی و ارائه راهکار و پیشنهاد پرداخته است.

بحث

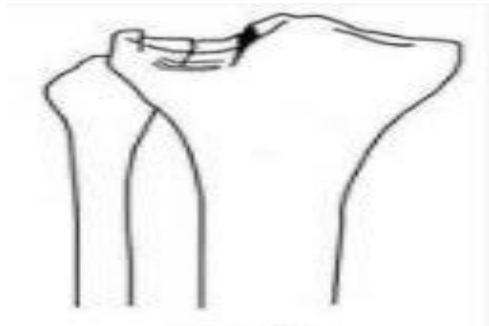
۱. مفهوم‌شناسی: دامنه مشمول این صدمه نیازمند بررسی دقیق مفهوم از منظر فقه می‌باشد تا پس از آن یافته‌های پزشکی با فقه تطبیق داده شود.

۱-۱. فقه: صدمه ترک برداشتن در فقه با عنوان «صدع» نامیده شده است. قرشی در قاموس در تعریف صدع مقرر داشته: «صدع به معنای شکافتن و شقه شدن است، چنانکه در مجمع ذیل آیه ۴۳ روم و در مفردات و صحاح گفته شده است. صدیع به معنی صبح است به اعتبار شکافته شدن»، سپس در ادامه به ذکر آیاتی که این واژه در آن‌ها به کار رفته، پرداخته، از جمله آیه ۴۳ سوره روم: «يَوْمَئِذٍ يَصْدَعُونَ (۱)؛ آن روز مردم متفرق و پراکنده می‌شوند» که آن شکافته شدن اجتماع است. همچنین است آیه ۲۱ سوره حشر: «لَرَأَيْتَهُ خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ حَشْيَةِ اللَّهِ (۱)؛ می‌دیدید که کوه از ترس خدا خاشع و شکاف بردارنده است» یا آیه ۱۰ سوره واقعه: «لَا يَصْدَعُونَ عَنْهَا وَ لَا يَنْزِفُونَ (۱)؛ از شراب بهشتی سر درد نمی‌گیرند و مست نمی‌گردند» (۲)، به عقیده راغب سردرد را به طور استعاره صداع گویند گویی سر، از درد شکافته می‌شود و آخرین آیه عبارت است از آیات ۱۱ و ۱۲ سوره طارق: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ، وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱)؛ سوگند بآسمان که برگرداننده و زمینی که خاصیت شکافته شدن را دارد تا رویدنی‌ها از آن بروید.» (۳)

در برخی کتب لغت (4-5) در تعریف صدع آمده است: شکافتن چیزی که محکم است.

۱-۲. پزشکی: در علم پزشکی این صدمه تحت یکی از عناوین شکستگی‌ها بیان شده است. شکستگی در صورتی که به صورت کامل بوده و در آن گسیختگی در تمام مقطع عرضی استخوان رخ دهد، آن را شکستگی کامل می‌نامند. در مقابل

- شکستگی داخل مفصلی: یکی از انواع صدمات که در دامنه شمول ترک برداشتن قرار می‌گیرد، شکستگی داخل مفصلی (شکل ۳) می‌باشد. در تعریف این صدمه می‌خوانیم: «در آن خط شکستگی به داخل مفصل راه یافته است. ممکن است باعث محدودیت حرکات مفصلی گردد» (6-7). از آنجایی که در این صدمه انفصال کامل محقق نشده و تنها شکستگی ناکامل انتهایی استخوانی بوده که به داخل مفصل راه یافته، می‌توان آن را مطابق با تعریف ترک برداشتن دانست، در صورتی که این شکستگی امتداد یافته و به صورت کامل شود به عنوان صدمه شکستگی خواهد بود.



شکل ۳: شکستگی داخل مفصلی

در شکاف شاهد انفصال کامل نیستیم، بلکه هنوز اتصالی میان اجزا وجود دارد و همین نکته تفاوت میان شکستگی و ترک برداشتن می‌باشد، لذا می‌توان گفت هر نوع صدمه استخوانی که به صورت خط ظریف مویی خود را نشان دهد و نیز هر نوع انفصال ناکاملی که هنوز ارتباط میان قسمت‌ها وجود داشته را می‌توان در دامنه شمول ترک برداشتن دانست.

۲. جبران خسارت صدمه ترک برداشتن

۲-۱. فقه: ضابطه تعیین جبران خسارت صدمه ترک برداشتن استخوان، اصطیادی است که از فقرات مختلف اصل ظریف حاصل شده است. اصل ظریف به عنوان منبع اصلی تعیین دیه صدمات مربوط به استخوان می‌باشد. این اصل به بیان دیه صدمات مربوط به استخوان‌های بدن به تفکیک صدمات کوبیدگی، شکستگی، ترک برداشتن، دررفتگی، جداسدن، موضعه، سوراخ شدن و زخم پرداخته است. نقل این اصل در

گردیده، لکن بنا بر تعریف فقهی - لغوی نمی‌توان آن را شکستگی دانست. در تعریف شکستگی ترک تری می‌خوانیم: در این نوع شکستگی ضربه وارده به استخوان باعث شکسته شدن استخوان در طرف مقابل ضربه می‌گردد (6-7). این صدمه در دامنه شمول صدمه ترک برداشتن و احکام مربوطه به آن قرار خواهد گرفت. بدین توضیح که با توجه به تعریف شکستگی مبنی بر جدایی کامل بافت استخوانی، صدمه شکستگی ترک تری (شکل ۱) را نمی‌توان داخل در شکستگی دانست. ترک برداشتن به شکستگی ناکامل تعریف شده و این صدمه با ترک برداشتن تطبیق دارد.



شکل ۱: شکستگی ترک تری

- شکستگی ترک برداشتن (شکل ۲): شکستگی که روی فیلم رادیوگرافی، خط مویی ظریف روی استخوان نشان می‌دهد (6-7). بنا بر این تعریف، می‌توان گفت صدمه مذکور همان شکستگی ناکاملی است که تنها قسمتی از مقطع استخوان دچار گسیختگی می‌شود (8). این تعریف تنها منطبق با مفهوم ترک برداشتن از لحاظ لغت و فقه بوده که دلالت بر گونه‌ای شکافتن داشته و لذا در دامنه شمول احکام ترک برداشتن خواهد بود.



شکل ۲: شکستگی ترک برداشتن

- دیه مفصل دوم انگشت شست، اگر شکسته شود و بهبودی کامل یابد، دیه آن شانزده دینار و دوسوم دینار می‌باشد و دیه ترک برداشتن آن سیزده دینار و یک‌سوم دینار می‌باشد.

- دیه مفصل دیگر انگشت شست، اگر شکسته شود و بهبودی کامل یابد، دیه آن سی و سه دینار و یک‌سوم دینار می‌باشد و دیه ترک برداشتن آن بیست و شش دینار و دو سوم دینار می‌باشد.

- دیه شکستگی هر یک از بندهای چهار انگشت دست (غیر از شست) که متصل به کف دست است، شانزده دینار و دوسوم دینار می‌باشد و دیه ترک برداشتن هر یک از آن‌ها سیزده دینار و یک‌سوم دینار می‌باشد.

- دیه شکستگی هر یک از بندهای ناخنی چهار انگشت دست (غیر از شست) پنج دینار و چهارپنجم دینار می‌باشد و دیه ترک برداشتن هر یک از آن‌ها چهار دینار و یک‌پنجم دینار می‌باشد.

- دیه شکستگی بند ناخنی انگشت شست پا، شانزده دینار و دوسوم دینار می‌باشد و دیه ترک برداشتن آن سیزده دینار و یک‌سوم دینار می‌باشد.

- دیه شکستگی هر یک از بندهای چهار انگشت پا (غیر از شست) که متصل به کف پا است شانزده دینار و یک‌سوم دینار می‌باشد و دیه ترک برداشتن هر یک از آن‌ها سیزده دینار و یک‌سوم دینار می‌باشد.

- دیه شکستگی هر یک از بندهای ناخنی چهار انگشت پا (غیر از شست) پنج دینار و چهارپنجم دینار می‌باشد و دیه ترک برداشتن هر یک از آن‌ها چهار دینار و یک‌پنجم دینار می‌باشد.

همانطوری که ملاحظه شد، اکثر فقرات اصل ظریف شامل ترقوه، شانه، ساعد، آرنج، کف دست، بند ناخنی انگشت شست دست، بند متصل به کف انگشت شست دست، بند متصل به کف سایر انگشتان دست، بند ناخنی سایر انگشتان دست، باسن، ران، کشکک زانو، ساق پا، بند ناخنی شست پا، بند متصل به کف پا سایر انگشتان و بند ناخنی سایر انگشتان پا، مطابق با نظریه مذکور در ترک برداشتن استخوان می‌باشد.

جوامع روایی معتبر بدین‌گونه که مرحوم کلینی (۱۰) آن را تقطیع کرده و هر قسمت از روایت ظریف را در باب خاص آن آورده و شیخ طوسی هم به صورت یک جا و پشت سر هم، و هم به صورت جداگانه (۱۱) در ابواب مختلف آورده است و شیخ صدوق (۱۲) کتاب دیات را یک جا آورده که حکایت از صحت سند و امکان استناد و عمل به آن دارد.

ضابطه جبران خسارت صدمه ترک برداشتن استخوان بیان می‌دارد: «دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است.» فقراتی از اصل ظریف که موافق این ضابطه بوده عبارتند از:

- ترقوه زمانی که ترک بردارد، دیه آن چهارپنجم دیه شکستگی ترقوه می‌باشد.

- شانه زمانی که ترک بردارد، دیه آن چهارپنجم دیه شکستگی شانه می‌باشد.

- ساعد زمانی که یکی از دو استخوان آن ترک بردارد، دیه آن چهارپنجم دیه شکستگی یکی از دو استخوان ساعد می‌باشد.

- آرنج زمانی که ترک بردارد، دیه آن چهارپنجم دیه شکستگی آرنج می‌باشد.

- کف دست زمانی که ترک بردارد، دیه آن چهارپنجم دیه شکستگی آن می‌باشد.

- دیه ترک برداشتن ران، چهارپنجم دیه شکستگی آن می‌باشد.

- کشکک زانو زمانی که ترک بردارد، دیه آن چهارپنجم دیه شکستگی آن می‌باشد.

- دیه ترک برداشتن ساق پا، چهارپنجم دیه شکستگی آن می‌باشد.

- دیه ترک برداشتن باسن، چهارپنجم دیه شکستگی آن می‌باشد.

در دیه ترک برداشتن استخوان‌های فوق تصریح به نسبت چهارپنجم دیه شکستگی شده بود. در ادامه استخوان‌هایی که هرچند تصریح به این نسبت در متن روایت نیامده، لکن با نسبت‌سنجی دیه تعیین‌شده برای ترک برداشتن با دیه تعیین شده برای شکستگی استخوان، به نسبت چهارپنجم رسیده آورده می‌شود که به قرار زیر است:

می‌دارد: «ماده ۵۶۹: دیه شکستن، ترک برداشتن و خردشدن استخوان هر عضو دارای دیه مقدر به شرح زیر است: ...»

پ - دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است...»

۲-۳. استثنائات: بیان کردیم که اکثر استخوان‌های بدن مشمول این نظریه هستند و برخی استخوان‌ها خارج از مفاد این ضابطه هستند که بررسی موارد عدم جریان نظریه دیه ترک برداشتن استخوان می‌پردازیم. موارد عدم جریان ضابطه مطابق متون روایی عبارتند از:

۲-۳-۱. استخوان‌هایی که برای شکستگی آنها دیه تعیین نشده و می‌بایست ارزش محاسبه شود: با توجه به اینکه این ضابطه دیه صدمه ترک برداشتن را نسبتی از دیه شکستگی استخوان می‌داند، امکان اجرای آن در استخوان‌هایی که در صدمه شکستگی آن، دیه‌ای تعیین نشده وجود ندارد، البته ذکر این نکته هم لازم است که با توجه به اینکه ضابطه صدمات استخوان (غیر از شکستگی) به صورت مخرجی از دیه شکستگی بیان شده، می‌توان در استخوان‌هایی که دیه شکستگی آن‌ها بیان نشده، ابتدا ارزش شکستگی تعیین و سپس نظریه سایر صدمات را پیاده ساخت. در واقع ابتدا ارزش صدمه قطع عضو تعیین و پس از آن بر اساس نسبت تعیین شده به تعیین ارزش شکستگی و سپس ارزش ترک برداشتن استخوان بر اساس ضابطه ذکر شده اقدام می‌شود.

۲-۳-۲. مواردی که در روایات برای آن‌ها به طور خاص دیه تعیین شده و مطابق با نظریه ترک برداشتن نمی‌باشد.

۲-۳-۳. در اصل ظریف، دیه چهار استخوان بیان شده که مطابق با ضابطه ترک برداشتن نمی‌باشد. لازم به ذکر است دیه دو فقره از چهار استخوان بسیار نزدیک به ضابطه ترک برداشتن می‌باشد. این چهار فقره عبارتند از:

- در شکستگی بند وسط انگشتان دست (غیر از شست) یازده دینار و یک‌سوم دینار و در ترک برداشتن آن‌ها ۸ دینار و نصف دینار به عنوان دیه تعیین می‌شود (۱۷). دیه تعیین شده در صدمه ترک برداشتن کمی کمتر از نسبت چهارپنجم دیه شکستگی تعیین شده می‌باشد.

این نظریه برخلاف نظریه شکستگی‌ها، با اکثر فقرات اصل ظریف همخوانی داشته، لکن تنها برخی فقها (۱۳-۱۴) به امکان اصطیاد این نظریه از اصل ظریف توجه داشته‌اند. مرحوم ابن حمزه اولین فقیهی است که بیان دیه صدمه صدع در قالب یک ضابطه پرداخته و مقرر داشته‌اند: «فی صدع العضو أربعة أخماس دية الكسر؛ در ترک برداشتن استخوان، چهارپنجم دیه شکستن به عنوان دیه ثابت است» (۱۳). برخی (۱۵) (این عده این مطلب را به صاحب کتاب الوسيله انتساب داده‌اند) نیز با شمارش تعداد قابل توجهی از استخوان‌ها به یکسان بودن احتساب دیه ترک برداشتن اذعان داشته، لکن ضابطه‌ای را بیان نکرده‌اند. مرحوم فاضل هندی در مورد صدمه ترک برداشتن استخوان مقرر می‌دارند: «وقد ذکر فی صدع أكثر هذه الأعضاء أن فيه أربعة أخماس دية كسرها؛ در صدمه ترک برداشتن اکثر اعضا، چهارپنجم دیه شکستن به عنوان دیه ذکر شده است» (۱۶). ایشان هرچند اعتراف به این مطلب که اکثر استخوان‌های بدن دارای دیه با ضابطه‌ای یکسان در صدمه ترک برداشتن بوده دارند، لکن از بیان این مطلب در قالب یک ضابطه خودداری کرده‌اند. مرحوم صاحب جواهر پس از نقل کلام مرحوم فاضل هندی مبنی بر اعتراف به اینکه دیه صدمه ترک برداشتن اکثر استخوان‌ها، چهارپنجم دیه شکستن استخوان می‌باشد مقرر می‌دارند: «إلا أنه كما ترى لم نجد ما يدل على تمام ما ذكره؛ نیافتیم آنچه که دلالت کند بر تمامیت مطلبی که ذکر شد» (۱۵)، اما با بررسی اصل ظریف به این نتیجه رسیدیم که اکثر استخوان‌ها مشمول ضابطه مصطاد در صدمه ترک برداشتن استخوان هستند. گویا فقها به دلیلی نامعلوم از بیان ضابطه در این مورد ابا داشته‌اند.

بیان شد که نظریه شکستگی و کوبیدگی استخوان با آن همه اختلاف در فقرات اصل ظریف، مورد قبول مشهور فقها بوده، لکن نظریه ترک برداشتن استخوان را تنها عده کمی از فقها ذکر نموده‌اند.

۲-۲. حقوق موضوعه: این ضابطه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ بیان نشده بود، لکن قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در بند «پ» ماده ۵۶۹ این ضابطه را پذیرفته و بیان

- در شکستگی بند متصل به کف شست پا، یک پنجم دیه شست پا، یعنی شصت و شش دینار و دوسوم دینار ... و در ترک برداشتن آن شانزده دینار و دوسوم دینار به عنوان دیه ثابت است (۱۰). همانطور که ملاحظه می شود نسبت چهار پنجم دیه شکستگی در صدمه ترک برداشتن لحاظ نشده است.

- در شکستگی بند وسطی سایر انگشتان پا (غیر از شست) یازده دینار و دوسوم دینار و در ترک برداشتن آن هشت دینار و چهار پنجم دینار ثابت است (۱۰).

- در شکستگی دنده های محیط به قلب بیست و پنج دینار و در ترک برداشتن آن دوازده دینار و نصف دینار ثابت است و در شکستگی دنده های کنار بازوان ده دینار و در ترک برداشتن آن هفت دینار به عنوان دیه ثابت است (۱۷).

بنابراین دیه استخوان های چهار فقره بند وسطی سایر انگشتان دست (غیر از شست)، قفسه سینه، بند متصل به کف شست پا و بند وسطی سایر انگشتان پا (غیر از شست) با ضابطه مذکور مطابقت نداشته و می بایست مطابق آنچه در روایات بیان شده دیه ترک برداشتن آن را محاسبه کرد و این استخوان ها را تخصیصی بر ضابطه دیه ترک برداشتن استخوان دانست.

۳. ایهام تقنینی و حل آن در پرتو اصل تناسب: علاوه بر استثنائات فقهی ضابطه که بیان گردید، اجرای این ضابطه با ایرادی مواجه بوده که به بررسی آن می پردازیم.

در جبران خسارت صدمه شکستگی به عنوان مبنای تعیین نسبت چهار پنجم، با دو میزان جبران خسارت برای حالت های بهبودی و عدم بهبودی مواجه هستیم و ضابطه ترک برداشتن به صورت مطلق به تعیین میزان جبران خسارت به نسبت چهار پنجم از دیه شکستگی بدون تعیین حالت بهبودی و عدم بهبودی هم در مبنا و هم در صدمه ترک برداشتن حکم می کند. به عبارتی معلوم نبودن نسبت چهار پنجم به کدام یک از انواع شکستگی های با بهبودی یا معیوب یا به عبارتی معلوم نبودن شمول ضابطه نسبت حالت بهبودی یا عدم بهبودی ترک برداشتن قابل بررسی می باشد. اوج این مشکل در استخوان ترقوه می باشد. ماده ۶۵۶ ق.م.ا. مقرر می دارد:

شکستن هر یک از استخوان های ترقوه در صورتی که بدون عیب درمان شود، موجب ۴ درصد دیه کامل و در صورتی که درمان نشود و یا با عیب درمان شود، موجب نصف دیه کامل است. «میزان جبران خسارت در صدمه شکستگی این استخوان در دو حالت بهبودی و عدم بهبودی از یکدیگر بسیار فاصله دارد، البته مقنن در ماده ۶۵۷ ق.م.ا. حکم ترک برداشتن استخوان ترقوه را بدون اشاره به حالت بهبودی یا عیب به گونه ای تعیین نموده که صدمه شکستگی با بهبودی به عنوان شاخص برای پیاده سازی ضابطه در نظر گرفته شده است. این ماده مقرر می دارد: «دیه ترک خوردن هر یک از استخوان های ترقوه، سی و دو هزارم، دیه موضعه آن، بیست و پنج هزارم، دیه در رفتگی آن، بیست هزارم و دیه سوراخ شدن آن، ده هزارم دیه کامل است.» در حقیقت مقنن تنها در استخوان ترقوه به صورت تلویحی به تعیین صدمه شکستگی با حالت بهبودی به عنوان مبنا برای پیاده سازی ضابطه ترک برداشتن اشاره داشته است، البته اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۹۹/۱۲۱۱ مورخ ۱۳۹۹/۸/۲۶ همین موضوع را ذکر نموده که البته نظری خارج از آنچه در قانون آمده نمی باشد. در نظریه مذکور می خوانیم: «دیه استخوان ترقوه در ماده ۶۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعیین شده و دیه ترک خوردن و شکستن هر یک از استخوان های ترقوه طبق مواد ۶۵۶ و ۶۵۷ قانون مذکور، مشخص گردیده است، اما چون دیه خرد شدن استخوان ترقوه به طور صریح پیش بینی نشده است، به نظر می تواند مشمول عمومات مذکور در بند «ب» ماده ۵۶۹ قانون مذکور باشد.»

بیان کردیم که نسبت چهار پنجم در ۱۶ استخوان بدن با ضابطه مطابقت دارد. در ۹ مورد از این تعداد یا به عبارتی در بیش از نیمی از آن ها که شامل استخوان های ترقوه، آرنج، کف دست، بند ناخنی انگشت شست، بند متصل به کف انگشت شست، باسن، ران، کشکک و ساق است نسبت مذکور با شکستگی همراه با بهبودی استخوان سنجیده شده است و در سایر موارد دیه شکستگی به طور مطلق و بدون تعیین حالت بهبودی یا عدم بهبودی آورده شده است. بنا بر حمل بر اکثر

موارد باید گفت این نظریه و نسبت مذکور در آن ناظر به شکستگی با حالت بهبودی استخوان می‌باشد. این استنتاج موافق با اصل برائت از زاید، یعنی تعیین نسبت بر اساس دیه صدمه شکستگی معیوب نیز می‌باشد. منتهی سؤال از طرف دیگر با مشکل مواجه بوده که آیا تفاوتی میان صدمه ترک برداشتن با بهبودی و حالت معیوب وجود ندارد.

اما اختلاف برداشت در مبنای نسبت چهارپنجم در ضابطه دیه ترک برداشتن که نسبت مذکور بر مبنای دیه تعیین شده برای شکستگی در حالت عدم بهبودی (یک پنجم دیه عضو) بوده یا بر مبنای دیه تعیین شده برای شکستگی در حالت بهبودی (چهارپنجم از یک پنجم دیه عضو) بوده، در محاکم کیفری نیز وجود داشته است. در پرونده ۹۷۰۶۲۴ هر یک از متهمان بابت ایراد صدمه ترک برداشتن با استناد به ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی به پرداخت چهارپنجم از یک پنجم از یک دوم دیه کامل مرد مسلمان بابت ترک برداشتن استخوان ساعد محکوم شده‌اند و حسب گواهی پزشکی، ترک خوردگی بدون عیب درمان شده است. در مقابل در پرونده دیگر به دادنامه ۱۴۰۷ به اتهام ایراد صدمه غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی در امر رانندگی منتهی به ترک خوردگی استخوان ساعد به پرداخت چهارپنجم از یک پنجم از یک دوم دیه کامل محکوم شده، در حالی که آسیب مطرح شده در این پرونده هم بر اساس گواهی پزشکی بدون عیب درمان شده است.

اختلاف آرای فوق در جلسه هیأت عمومی دیوان عالی برای اتخاذ وحدت رویه مطرح گردید و رأی شماره ۷۸۲ مطابق زیر صادر گردید: «مطابق مقررات بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو، چهارپنجم دیه شکستگی التیام یافته بدون عیب همان عضو است و چون دیه شکستگی استخوان که بدون عیب درمان شود چهارپنجم از خمس دیه آن عضو است و دیه یک دست نیز نصف دیه کامل می‌باشد، در نتیجه مقدار دیه ترک برداشتن استخوان ساعد دست، چهارپنجم از چهارپنجم از خمس نصف دیه کامل خواهد بود...» این استدلالی است که دیوان برای گزینش رأی برتر اتخاذ نموده است. در این استدلال دیوان دیه ترک برداشتن را بر اساس بند «پ» ماده

۵۶۹ قانون مجازات اسلامی به صورت مطلق معادل چهارپنجم دیه شکستگی التیام یافته بدون عیب همان عضو دانسته و گویا تفاوتی میان حالات بهبودی و عدم بهبودی ترک برداشتن استخوان برای تعیین مبنای نسبت مذکور در ضابطه قائل نشده است، البته این برداشت از رأی دیوان را می‌توان در یکی از نظریات اداره کل حقوقی نیز به شماره ۷/۹۸/۱۶۹۱ در پاسخ به استعلامی با موضوع دیه ترک خوردگی استخوان نازک نی یا درشت نی یا بدون اشاره به حالت بهبودی یا عدم بهبودی آن مشاهده نمود. در متن استعلام مذکور می‌خوانیم: «دیه ترک خوردگی استخوان نازک نی یا درشت نی یا ۸ درصد دیه کامل است یا ۶ درصد دیه کامل، زیرا بعضاً همکاران محترم معتقدند بر اساس بند «پ» ماده ۵۶۹ دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است، دیه شکستن استخوان پا ۸ درصد است و دیه ترک خوردن، یعنی چهارپنجم ۸ درصد که می‌شود ۶ درصد و عده دیگر استدلال می‌نمایند که دیه ترک برداشتن هر عضو چهارپنجم دیه شکستن هر عضو است، دیه شکستن استخوان پا با توجه به بند «الف» ماده مرقوم ۸ درصد می‌باشد. در واقع بین دیه شکستن بدون عیب با ترک خوردگی تفاوتی وجود ندارد و دیه ترک برداشتن ۸ درصد از دیه کامل است.» در پاسخ به استعلام فوق، مقرر شده است: «با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۷۸۲ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۹ دیوان عالی کشور که در آن تصریح شده است: «مطابق مقررات بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو، چهارپنجم دیه شکستگی التیام یافته بدون عیب همان عضو است و چون دیه شکستگی استخوان که بدون عیب درمان شود، چهارپنجم از خمس دیه آن عضو است...»، لذا در فرض سؤال که دیه پا نصف دیه کامل می‌باشد، مقدار دیه ترک برداشتن استخوان ساق پا چهارپنجم از چهارپنجم از خمس نصف دیه کامل خواهد بود.» به نظر هم دیوان و هم اداره کل حقوقی بر مبنای اصل برائت از زاید در تمامی حالات صدمه ترک برداشتن، حکم به دیه صدمه شکستگی با بهبودی به عنوان مبنای نسبت تعیین شده در ضابطه ترک برداشتن داده‌اند، البته نماینده دادستان در جلسه دیوان بیان داشتند: «بند «پ» ماده ۵۶۹

نتیجه‌گیری

با بررسی و تطبیق تعاریف پزشکی با فقه، می‌توان صدمات شکستگی ترکه‌تری، ترک برداشتن و داخل‌مفصلی را به عنوان مصادیق صدمه ترک برداشتن و در دامنه شمول احکام آن دانست.

بر اساس یافته‌های روایی، دیه صدمه ترک برداشتن در ۴ استخوان مطابق با ضابطه مذکور در بند «پ» ماده ۵۶۹ ق.م.ا. نمی‌باشد.

به منظور رفع ایهام تقنینی در تعیین حالات بهبودی یا عدم بهبودی صدمه شکستگی به عنوان شاخصی برای تعیین دیه صدمه ترک برداشتن، پیشنهاد می‌شود در پرتو اصل تناسب مسئولیت و میزان جبران خسارت، بند «پ» ماده ۵۶۹ ق.م.ا. به قرار زیر اصلاح گردد: «ماده ۵۶۹: دیه شکستن، ترک برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو دارای دیه مقدر به شرح زیر است: ... پ - دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو در حالت‌های بهبودی و عدم بهبودی، چهارپنجم دیه شکستن آن عضو به تناسب همان حالت است...». به منظور تسریع در اجرایی نمودن پیشنهاد فوق، لازم است این موضوع بر اساس یافته‌های این نوشتار، مجدداً در دیوان عالی کشور مطرح و به عنوان رأی وحدت رویه به تصویب برسد تا تهجّم بر اموال جانی یا تزییع حق مجنی‌علیه با اخذ دیه بیش یا کمتر از میزان لازم صورت نگیرد.

با عنایت به اینکه ماده ۶۵۷ ق.م.ا. به تقریر دیه ترک برداشتن استخوان ترقوه به صورت جداگانه از سایر استخوان‌ها پرداخته و تفکیکی میان حالات بهبودی و عدم بهبودی نداشته، پیشنهاد می‌شود ماده مذکور به قرار زیر اصلاح گردد: «دیه ترک خوردن هر یک از استخوان‌های ترقوه در صورت بهبودی، سی و دو هزارم و در صورت عدم بهبودی ۴۰ درصد دیه کامل، دیه موضعه آن، بیست و پنج هزارم، دیه در رفتگی آن، بیست هزارم و دیه سوراخ شدن آن، ده هزارم دیه کامل است»، البته با انجام اصلاح مذکور در بند قبل، نیازی به ذکر دیه ترک برداشتن استخوان ترقوه به صورت جداگانه در ماده ۶۵۷ ق.م.ا. نمی‌باشد.

قانون مجازات اسلامی، دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو را به طور کلی به دیه شکستن استخوان آن عضو ارجاع داده است و چون در میزان دیه شکستن استخوان هر عضو قانونگذار به موجب بند «الف» همان قانون کیفیت درمان را مؤثر دانسته است علی‌الاصول در میزان دیه ترک برداشتن استخوان نیز کیفیت درمان مؤثر بوده و باید قائل به تفصیل شویم». هرچند این استدلال بر مبنای اصل تناسب جرم و مجازات از پشتوانه قوی برخوردار بوده، لکن مورد قبول دیوان قرار نگرفته است. اصل تناسب جرم و مجازات در کتاب دیات را می‌توان از روح قانون مجازات اسلامی به دست آورد. تناسب محاسبه دیه با میزان جنایت در مواد ۵۷۸، ۶۰۷، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۴۸، ۶۶۱، ۶۶۲، ۷۲۰ ق.م.ا. مورد توجه مقنن بوده و در حقیقت مقنن این مبنا را در تمامی موارد پذیرفته است. این اصل در تمامی مکاتب پذیرفته شده، از جمله Montesquieu (۱۸) در این مورد مقرر داشته: «تناسب مجازات و جرم امری سیال و نسبی است که تنظیم میزان آن بر اساس مبانی اکثر مکاتب کیفری تابعی از ایدئولوژی و ارزش‌های حاکم بر جوامع است.»

Garou می‌گوید: «مجازات باید به تناسب وضعیت مجرم و استحقاق او تعیین شود» (۱۹). در حال حاضر با عنایت به اعتبار رأی وحدت رویه و لازم‌الاتباع بودن آن، محاکم نمی‌توانند تفاوتی در میزان جبران خسارت در صدمه ترک برداشتن میان حالت‌های بهبودی و عدم بهبودی قائل شوند، لکن پیشنهاد می‌شود با عنایت به بررسی‌های صورت گرفته، پیشنهاد تجدید نظر کارشناسی به دیوان عالی کشور ارجاع گردد تا مجدداً قضات محترم نسبت به بیان مبنای اجرای ضابطه در صدمه ترک برداشتن با بهبودی بر اساس دیه شکستگی با بهبودی و صدمه ترک برداشتن با عیب بر اساس دیه شکستگی با عیب اقدام نمایند. در این صورت در صدمه ترک برداشتن استخوان ترقوه در حالت عدم بهبودی لازم است نسبت تعیین شده در ضابطه به نسبت دیه تعیین شده در حالت عدم بهبودی تعیین شود.

مشارکت نویسندگان

اردوان ارژنگ: مرور، بازبینی و راهنمایی.
عباس کلانتری خلیل‌آباد: مرور، بازبینی و راهنمایی.
محمد رضا رحمت: مرور، بازبینی و مشاوره.
محمد حسین شاکر اشتیجه: جمع‌آوری داده‌ها، نگارش و تألیف مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. The Holy Quran. Rum: 43; Hashr: 21; Vagheh: 10; Taregh: 11-12. [Arabic]
2. Qurashi AA. Quran Dictionary. 6th ed. Tehran: Islamic Bookstore Press; 1992. Vol.4. p.115. [Arabic]
3. Esfahani H. Ragheb, Al-Qur'an Vocabulary. 1st ed. Lebanon: Dar al-Alam - Al-Dar al-Shamia; 1992. p.478. [Arabic]
4. Farahidi KH. Alein book. 7th ed. Qom: Hijrat Press; 1990. [Arabic]
5. Ibn Manzoor M. Lisan ol-Arab. 3rd ed. Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution - Dar Sader Press; 1994. Vol.8 p.194. [Arabic]
6. Kra J, Adams F, Humblen D. Principles of Fractures and Orthopedics. Translated by Karandish S. 2nd ed. Tehran: Printing House; 1998. p.9. [Persian]
7. Alami Harandi B, et al. Textbook of Orthopedics and Fractures. 1st ed. Tehran: Andisheh Rafi Press; 2013. p.48-49. [Persian]
8. Brunner, Suddartin. Orthopedics/ Internal Nursing and Surgery. Translated by Zandi M. 1st ed. Tehran: Rafie Thought Press; 2010. p.138. [Persian]
9. Shaker MH, Sarikhani A. Assessing the compensation for bone fracture from legal perspective and the procedure of forensic medicine organization with a solution for some problems of implementation. Iranian Journal of Forensic Medicine. 2017; 22(4): 325-331. [Persian]
10. Coleini M. Al-Kafi. 4th ed. Tehran: Islamic Books House; 1987. Vol.17 p.324-330. Vol.7 p.340-341. [Arabic]
11. Tusi M. Tahzib al-Ahkam. 4th ed. Tehran: Islamic Books House; 1987. Vol.10 p.295-169. [Arabic]
12. Saduq M. Man La Yahdhra al-Faqih. 2nd ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom Press; 1993. Vol.4 p.75. [Arabic]
13. Tusi M. Alvasila ela neilefazilah. 1st ed. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications Press; 1988. p.453. [Arabic]
14. Isfahani MT. Rozatolmottagjin fi sharhe man la yahzaroholfaghih. 2nd ed. Qom: Islamic Cultural Institute of Kushanbour Press; 1986. p.260. [Arabic]
15. Najafi MH. Javaherolkalam fi sharhe sharayeol eslam. 7th ed. Beirut: House for the Revival of Arab Heritage; 1984. Vol.11 p.389. [Arabic]
16. Isfahani M. Kashfollesam val ebham an ghavaedol ahkam. 1st ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association; 1996. Vol.11 p.389. [Arabic]
17. Ameli M. Vasayel al-Shiah. 7th ed. Qom: Al-Bayt peace be upon them Foundation; 1989. Vol.29 p.302-304. [Arabic]
18. Montesquieu C. The Spirit of Laws. Translated by Mohtadi AA. Tehran: Amirkabir Publishing Institute Press; 1983. p.39. [Persian]
19. Garou N. Theoretical and practical studies in criminal law. Translated by Naghab Z. 7th ed. Tehran: Ibn Sina Publications Press; 2001. Vol.2 p.128. [Persian]